

## حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی (از منظر فقه حنفی و حقوق افغانستان)

□ محمدکبیر رضوی \*

### چکیده

موضوع شناسی، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های دانش فلسفه فقه، اهمیت ویژه‌ای در مسیر رسیدن به فقه مسائل مستحدثه دارد؛ گسترش روابط اجتماعی، عدم قناعت، تعدی به حقوق عینی و مالی دیگران، نبود نظام دموکراسی و حاکمیت دولت قبیله‌ای در افغانستان، موجب تعدی برخی افراد به حریم شهرها و روستاهای برخی دیگر از شهروندان و نیز تجاوز به زمین‌های کشاورزی و علف‌چرهای آنان شده است. بدین سان است که شکایت حقوقی در این زمینه، ضرورت بحث پیرامون حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی را موجه، دارای اهمیت و ضروری می‌نمایاند. این درحالی است که فقه امامیه و حنفی بر مبنای قاعده‌ی لاضرر و بنای عقلا، برای هر مال مملوک غیر منقول، به میزان عرفی و به جهت استفاده کامل از شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی، حریم قائل شده و تجاوز به حریم را ممنوع و غیر مشروع دانسته است. گرچند روایات که نهاد حریم را مورد بحث قرار داده است، به حریم منفعت بین منابع آبی پرداخته و از حریم عین، سخنی به میان نیاورده است، اما با توجه به ضعف سند روایا مذکور و تعارض آن‌ها با یکدیگر مورد اعتنای معظم فقهای اسلامی واقع نشده است؛ اضافه بر این، برخی از روایات، معطوف به عرف زمان صدور بوده و با توجه به اینکه ردعی از زبان شارع در این زمینه نرسیده است، می‌توان تعیین حریم را به عرف زمانه بر مبنای نیاز اهالی شهرها، روستاها و مالکان املاک خصوصی و عمومی واگذار نمود و حریم را به مقادیر تعیین شده در روایات و مصادیق سنتی، منحصر نکرد و بر اساس قوانین مدرن، هر مال غیر منقولی را دارای حریم مشخص دانست. **کلیدواژه‌ها:** حریم شهر، حریم روستا، حریم زمین کشاورزی، فقه.

## مقدمه

واژه حریم، از واژه‌های پرکاربرد در علم فقه، حقوق و اخلاق<sup>۱</sup> می‌باشد؛ در علم فقه و حقوق، حریم به دو شاخه‌ی حریم خصوصی و حریم املاک تقسیم شده است. حریم خصوصی قلمروی از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً با اعلام قبلی به نحو معقولی، انتظار عدم دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به آن و مصونیت از ورود، نگاه و نظارت دیگران یا هرگونه تعرضی نسبت به آن قلمرو را دارد (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). اما حریم املاک به محدوده‌ی اطراف هر مال مملوک غیر منقولی می‌گویند که به میزان عرفی در جهت استفاده کامل از ملک در نظر گرفته شده است. بنابراین، حریم خصوصی، نوعی سپر مصونیت اطلاعاتی و حریم املاک و ضامن مصونیت فیزیکی می‌باشد. با توجه مطالب فوق، نکات زیر قابل توجه است:

الف) به حقی که صاحب ملک بر آن محدوده دارد، حق حریم، اطلاق می‌گردد؛  
 ب) صاحب حق فوق‌الذکر نیز می‌تواند فرد خاص یا عموم اهالی شهر و روستا باشد؛  
 ج) پژوهش حاضر نیز صرفاً از حریم املاک، شهر و روستا سخن خواهد گفت؛  
 د) از آنجای که بحث حریم املاک در فقه حنفی، چندان منظم و مفصل بیان نشده است، ناگزیر شدیم در مدخل هر بحثی، از فقه امامیه کمک بگیریم و بحث را نظم و نسق منطقی ببخشیم.

در اینکه شرع مقدس اسلام نسبت به حریم داشتن برخی املاک منقول و مقدار حریم آن‌ها دخالت محسوس داشته است، بحثی وجود ندارد؛ اما سؤال اساسی این است که آیا داشتن حریم از منظر شرع، نسبت به برخی از موارد و مصادیق، انحصاری است تا تنها شامل مصادیق سنتی گردد یا بیان موضع شرع نسبت به موارد مذکور، از باب اینکه آن موارد، موضوع زمانه بوده است، بیان شده است؟ و نیز نظر شرع نسبت به بیان مقادیر حریم نسبت به برخی املاک، غالبی است یا تعبدی؟ خلاصه معیار در تعیین حریم چیست؟ نظر عرف یا نیاز مالکان که شامل فرد، دولت و مردم می‌شود. در هر صورت، پژوهش حاضر سعی کرده است با روش توصیفی - تحلیلی به پاسخ دقیق و تفصیلی پرسش‌های فوق دست یابد.

## ۱. مفهوم شناسی

در اینجا لازم است واژه‌ی حریم را به صورت مطلق و مضاف (حریم شهر و قریه) مورد دقت و بررسی قرار دهیم تا حدود و صغور مفهومی آن به صورت روشن تبیین گردد:

### ۱-۱. مفهوم حریم

ابتدا به تعریف واژه‌ی حریم از نظر لغت و اصطلاح می‌پردازیم:

#### ۱-۱-۱. مفهوم لغوی

حریم واژه‌ی عربی و از ریشه حرم (به معنای بازداشتن) است که دارای معانی گوناگون بوده و همگی متضمن مفهوم ممنوعیت و محدودیت می‌باشد؛ مثلاً کار ممنوع و حرام، هر چیزی که لمس کردن آن ممنوع باشد، جامه‌ای که عرب عصر جاهلی پوشیدن آن را در حرم ممنوع می‌دانستند و فرد یا چیزی که تحت حمایت شخصی قرار دارد و او برای دفاع از آن حاضر است بجنگد (مانند خانواده و دوست و شریک)، از جمله معانی لغوی حریم ذکر شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ، ج ۳، ص ۲۲۲). با توجه به معنای فوق، برخی از لغت‌شناسان معتقدند که حریم به حرمتی گفته می‌شود که هتک آن جایز نیست (جوهری، ۱۴۱۰هـ، ج ۴، ص ۱۶۱۴). وجه اینکه شیء ممنوع را حریم نامیده است این است که منع صاحبش از تصرف در آن یا تصرف دیگران در آن (بدون اجازه مالک)، حرام شمرده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۲، ص ۱۲۵). برخی نیز گفته است حریم به هر چیزی که مستلزم حمایت باشد گفته می‌شود؛ به همین جهت است که زنان و مسکن، حریم مردان محسوب شده (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۲۳، نسائی، ۱۳۲۱، ج ۳، ص ۴۵۲، ح ۳۵۴۳). و حریم چاه و غیر آن نیز به محل‌های اطراف آن که کسی نمی‌تواند در آن مکان فرود آید و یا ادعای بنماید، اطلاق گردیده است (طریحی، ۱۴۱۶هـ، ج ۶، ص ۳۹). بنابراین، اصل معنای حریم، منع است و آنچه هتک آن حرام است و آنچه مورد حمایت شخص است، از لوازم معنای اصلی حریم محسوب می‌گردد؛ زیرا وقتی چیزی ممنوع شد، هتک حرمت آن و دفاع از آن امر ضروری محسوب گردیده و حمایت از آن ممدوح حساب می‌شود. برای توضیح بیشتر، به مثالهای زیر توجه کنید:

**الف) حریم منزل:** حریم منزل به قسمتهای وابسته به آن منزل از قبیل آشپزخانه، گاراژ، آخور حیوانات و... اطلاق می‌گردد. به تعبیر دیگر، حریم منزل، به منافی اطلاق می‌گردد، که بهره‌مندی از آن منزل وابسته به آن منافع می‌باشد و دیگران از تصرف در آن منافع ممنوع می‌باشند؛ مانند سرچشمه آب خانه‌ی مذکور و یا چاه و مانند آنها. (<https://www.almaany.com/fa>) چنانکه برخی دیگر در این مورد تصریح نموده‌اند: «و حَرِيم الدار: ما أَضِيف إِلَيْهَا مِنْ حَقُوقِهَا وَ مَرافِقِهَا؛ حریم خانه چیزی است که به خانه اضافه شده که عبارت است از حقوق و منافع آن» (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۳، ص ۲۲۲، زبیدی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵).

**ب) حریم چاه:** مکانی است که خاک چاه به آنجا انداخته می‌شود و برای استفاده از آب چاه، ناگزیر از راه رفتن در آن مکان می‌باشد؛ لغت شناسان در این زمینه گفته‌اند:

الْحَرِيمُ: مَلَقَى نَبِيْثَةَ الْبِئْرِ وَ الْمَمْشَى عَلَى جَانِبَيْهَا. وَ فِي الصَّحاحِ: حَرِيمُ الْبِئْرِ وَ غَيْرِهَا: مَا حَوْلَهَا مِنْ مَرافِقِهَا وَ حَقُوقِهَا» حریم، به خاکریز چاه و مسیر دو طرف آن اطلاق می‌گردد. در کتاب صحاح اللغه نیز آمده است که حریم چاه و غیر آن، به منافع و حقوق اطراف آن گفته می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۱۳۵).

**ج) حریم رودخانه و جوی آب:** مکانی که خاک جوی آب و رودخانه هنگام صاف کردن آن‌ها در آنجا ریخته می‌شود و نیز راهی که در دو طرف آن‌ها قرار دارد، حریم آن‌ها محسوب می‌گردد لغویون به این معنی تصریح نموده و نوشته‌اند:

وَ حَرِيمُ النَّهْرِ: مَلَقَى طِينَهُ وَ الْمَمْشَى عَلَى حَافَتَيْهِ وَ نَحْوِ ذَلِكَ». (همان) یعنی حریم رودخانه و جوی آب و امثال آن‌ها، به محلی که استفاده از رودخانه و جوی آب، به آن مکان بستگی دارد، گفته می‌شود.

**د) حریم اطرافیان شخص:** تمام کسانی که مورد حمایت یک شخص قرار دارد، حریم آن شخص شمرده می‌شود؛ تصریح لغویین در این زمینه چنین است: «وَ الْحَرِيمُ مِنْكَ: مَا تَحْمِيهِ وَ تُقَاتِلُ عَنْهُ، كَالْحَرَمِ» (همان) در اینجا حریم، به امر معنوی اطلاق شده است. بنابراین و با توجه به مثال‌های فوق، حریم به معنای محیطی است که ورود دیگران در آن، نیازمند اجازه بوده و تصرف بدون اجازه در آن محیط، تصرف عدوانی محسوب می‌گردد.

**ه) حریم کشور:** حریم کشور به تمام مناطقی اطلاق می‌گردد که مورد بهره‌وری اتباع آن

کشور واقع می‌گردد؛ در سایت المعانی به حریم کشور، مرافق اطلاق شده و گفته شده است: «مرافقُ البلاد»: آنچه که مورد انتفاع مردم یک کشور است، می‌باشد». (<https://www.almaany.com/fa>). از مجموع مثالهای فوق، این نکته به دست آمد که حریم اموال غیر منقول، به ماحول آن اطلاق می‌گردد و تصرف دیگران در آن، مانند تصرف در اصل ملک، ممنوع می‌باشد.

## ۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی

معنای اصطلاحی حریم نیز از معنای لغوی آن دور نیفتاده و به معنای محدوده‌ای اطراف اموال غیر منقول آمده اطلاق شده است که بهره‌وری از آن اموال، به آن محدوده وابسته بوده و تصرف غیر مالک در آن محدوده، ممنوع می‌باشد؛ چنانکه تصریح شده است: «حریم، به معنای محدوده‌ای معین در اطراف برخی اموال غیر منقول می‌باشد که برای بهره بردن کامل مالکان از آن اموال، تصرفات دیگران در آن محدوده منع شده است (<https://fa.wikifeqh.ir>) (برخی از فقهای معاصر به همین معنی اشاره داشته و تصریح کرده است: «حریم کل شیء مقدار ما يتوقف عليه الانتفاع به و لا يجوز لأحد أن يحیی هذا المقدار بدون رضا صاحبه» (فیاض کابلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹، سیستانی، ۱۴۱۷هـ.ق، ج ۱، ص ۲۸۵). برخی دیگر از قدمای امامیه، با توجه به معنای لغوی حریم، آن را به حقوق و محدوده‌ی مورد نیاز اطراف اموال غیر منقول تعریف نموده و در این زمینه نوشته است:

الحریم اشارة الى المواضع القریبة التي یحتاج اليها لتمام الانتفاع بالطریق الماء و مطرح التراب و اشباه ذلك» حریم به محدوده‌ای مکانی هر چیزی اطلاق می‌شود که بهره‌وری کامل از آن چیز نیازمند به آن محدوده‌ی خاص و ویژه می‌باشد. مانند آب‌راه یک زمین کشاورزی و محل ریختن زباله منزل و مانند آن (حلی (علامه)، ۱۳۸۸هـ.ق، ص ۴۱۳، قانون مدنی، ماده ۱۳۶).

فقهای حنفی نیز، تعریف مشابه تعریف فقهای امامیه از حریم ارائه نموده و گفته‌اند که مقصود از حریم، حقوق و مرافق پیرامون اموال غیر منقول می‌باشد؛ به عنوان نمونه، زحیلی، همین تعریف را از فقهای حنفی نقل کرده و نوشته است: «الحریم: الموضع المجاور حول

النهر أو البئر الذي تجب حمايته» حریم، مکان اطراف رودخانه یا چاه است که باید مورد حمایت حقوقی قرار گیرد.» (زحیلی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۶، ص ۶۱۱). کاسانی حنفی در این زمینه نوشته است:

فلا خلاف فی أن من حفر بئراً فی أرض الموات یکون لها حریم حتی لو أراد أحد أن یحفر فی حریمه له أن یمنعه؛ لأن النبی ﷺ جعل للبئر حریماً، وكذلك العین لها حریم بالإجماع؛ لأنه ﷺ جعل لكل أرض حریماً؛ فقهای حنفی در حریم داشتن چاهی که شخصی آن را در زمین موات حفر نموده است، اختلافی ندارند؛ بنابراین، هرگاه کسی بخواهد چاه دیگری در حریم چاه اول حفر نماید، صاحب حریم چاه اول، حق دارد حافر دوم را از این کار منع نماید. زیرا رسول خدا برای چاه، حریم قرار داده است. همچنان فقهای حنفی بر حریم داشتن چشمه نیز اجماع دارند. حریم داشتن چاه و چشمه تحت قاعده کلی است که رسول خدا آنرا بیان داشت و آن این است که ایشان، برای هر زمینی حریم قرار داده است. (کاسانی، ۱۴۰۶هـ.ق؛ ج ۶، ص).

ابن عابدین نیز در تعریف اصطلاحی حریم خانه نوشته است:

حَرِيمُ الدَّارِ مَا يَصَافُ إِلَيْهَا مِنْ حُقُوقِهَا وَمَرَافِقِهَا حَرِيمٌ خَانَهُ، مقداری از ماحول آن است که حقوق صاحب خانه و بهره‌وری وی از آن حقوق، بستگی به آن ماحول دارد. (ابن عابدین، ۱۹۹۲هـ.ق، ج ۲، ص ۳۳۱).

بنابر این، حریم اموال غیر منقول، مقداری از اراضی اطراف ملک غیر منقول است که اگر دیگری در آن مقدار، تصرف کند، صاحب ملک بخاطر آن، در مضیقه قرار می‌گیرد و بهره‌وری او از آن ملک، تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ ایجاد چنین محدودیتی می‌تواند حکمت حرمت تصرف دیگران در آن حریم، می‌باشد. (طاهری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۱، ص ۲۹۳).

با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی حریم، می‌توان گفت که نسبت معنای لغوی حریم با معنای اصطلاحی آن، نسبت مطلق و مقید است؛ زیرا حریم در معنای لغوی (فعل به معنای مفعول) به هر چیز ممنوع گفته می‌شود؛ اما معنای اصطلاحی حریم: «محدوده‌ی اطراف مال مملوک غیر منقول است که به میزان عرفی، در جهت استفاده کامل از ملک برای مالک در نظر

گرفته شده است.» به تعبیر دیگر، حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد. با اینکه فقه حنفی، اصل حریم و مشروعیت آن را پذیرفته است، اما قانون مدنی افغانستان که متخذ از فقه مذکور می‌باشد، هیچ سخنی از حریم به میان نیاورده و نهاد حریم را به صورت کلی مسکوت گذاشته است؛ بنابراین، طبیعی است که تعریفی از حریم، در قانون مدنی، ارائه نشده باشد. با وجود این، می‌توان گفت که بند «۲» ماده «۱» قانون مذکور، تکلیف را در مورد حریم مشخص نموده و تعریف و حکم حریم را به فقه حنفی ارجاع داده است؛ زیرا در بند مذکور مقرر شده است: «در مواردی که حکم قانون موجود نباشد، محکمه مطابق با اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام حکم صادر می‌نماید. که عدالت را به بهترین وجه ممکن آن تامین نماید». البته قانون‌گذار افغانستان نمی‌تواند نسبت به مهم‌ترین موضوعات حقوقی موضعی اتخاذ نکند؛ بدین جهت ضروری است که قانون‌گذار، این نقیصه را با وضع قوانین جامع، مدرن و بروز در مورد نهاد حریم جبران نموده و تعریف و حکم آن را به خوبی و شفافیت، بیان نماید و قلمرو و حدود آن را تعیین کند.

## ۱-۲. مفهوم حریم شهر و روستا

از آنجای که تعریف شهر و روستا می‌تواند بخشی از موضوع را منقح نماید، در این مبحث، به تعریف شهر و روستا می‌پردازیم:

### ۱-۲-۱. مفهوم حریم شهر

فقه‌های امامیه و حنفی در ضمن بیان قواعد عام، تعریف حریم شهر و روستا را نیز ارائه نموده‌اند؛ به عنوان نمونه علامه حلی در تعریف حریم شهر و روستا گفته است:

حریم العمارة فإذا قرر البلد بالصلح لأربابه لم یصح احیاء ما حوالیه من الموات من مجتمع النادی و مرتکض الخیل و مناخ الإبل و مطرح القمامة و ملقی التراب و مرعی الماشیة و ما یعد من حدود مرافقهم و کذا سائر القرى للمسلمین؛ حریم آبادی (شهر یا روستا): هرگاه شهر یا روستایی در یک جایی احداث گردید، هیچ کس حق ندارد اطراف آن را احیا نماید؛ بنابراین، زمین‌های موات اطراف شهر و

روستا، محل گردهمایی‌های مردم شهر و روستا، محل مسابقه‌ی اسبهای مردم شهر و روستا، خوابگاه شتران روستا، محل دورریختن پسماندهای شهر و روستا، خاکریز شهر و روستا، چراگاه‌های روستاها، و هر جای که جزء منافع شهر و روستا محسوب می‌شود، حریم شهر و روستا قلمداد گردیده و غیر قابل احیا می‌باشد. این حکم نسبت به حریم تمام شهرها و روستاهای محل سکونت مسلمانان، جاری و ساری است» (حلی (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ه ش، ج ۲، ص ۲۳۲).

بر اساس نظریه‌ی متخصصین نوگرا نیز، حریم شهر، یک خط معینی از شهر است که قلمرو مشخصی را احاطه می‌کند و از توسعه ساخت و ساز غیرمجاز در محدوده آن جلوگیری می‌نماید و به حفظ طبیعت و حیات وحش در پیرامون شهر امکان می‌دهد. از دیدگاه توسعه پایدار، حریم، معادل کمربند سبز است که هاله‌ی<sup>۲</sup> تنفس‌گاهی شهر به حساب می‌آید و مانعی مستحکم در برابر گسترش شهر و نقاط سکونت و فعالیت پیرامون آن می‌باشد. از این رو بستر طبیعی حریم، به طبیعی‌ترین شکل ممکن نگهداری می‌شود و فعالیت‌های جاری آن از نوع گردشگری، زراعت و باغداری در دل طبیعت تعیین می‌گردد. (کامیار، ۱۳۸۵ ه ش، ص ۹). به عبارت دیگر، حریم شهر: «قسمتی از اراضی بالفصل پیرامون محدوده شهر است که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد». (ماده «۲») (قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

## ۲-۲-۱. مفهوم حریم روستا

مراد از حریم روستاها، زمین‌های است که مورد احتیاجات مختلف اهل روستا می‌باشد؛ مانند زمین‌های که جمع کردن محصولات و هیژم یک قریه نیازمند بهره‌مندی از آنها است. با استناد به چنین حقی، اهل قریه می‌توانند در برابر واگذاری چنین حقی از دیگران پول دریافت کنند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ه ق، ج ۱، ص ۲۸۳). از تعلیلی که فقهای حنفی برای مشروعیت حریم جوی آب آورده‌اند نیز به خوبی استنتاج می‌گردد که ملاک مشروعیت حریم اموال غیر منقول، احتیاج آن، به حریم است (السمرقندی، ۱۴۱۴ه ق، ج ۳، ص ۳۲۱). یعنی بهره‌وری صحیح و کامل از اموال غیر منقول، جز با قائل شدن به حریم برای آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. بدین جهت



است که مرغینانی حنفی در این زمینه تصریح نموده است:

هیچ کس حق ندارد در حریم چاه دیگران، چاهی را حفر نموده و با این عمل، مانع بهره‌وری کامل صاحب چاه از منافع آن گردد؛ زیرا کندن چاه در محدوده‌ی حریم چاه دیگران، باعث ضیاع حق صاحب آن و اخلال در بهره‌وری او از آن چاه می‌گردد. بنابراین، فلسفه‌ی تشریح حریم چاه و منع دیگران از تصرف در آن حریم، انتفاع بدون مزاحمت صاحب چاه، از منافع چاه حفر شده می‌باشد؛ به عبارت دیگر، حافر، همزمان با حفر چاه، مالک چاه و حریم آن می‌شود و هیچ کس حق ندارد با تصرف عدوانی در ملک او، مانع بهره‌وری کامل از منافع چاه مذکور گردد (المرغینانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۵).

بنابراین، حریم روستا نیز محدوده‌ی است که اهالی روستا به خاطر زندگی بی‌دردسر در آن روستا، به آن محدوده نیاز دارند.

سمرقندی حنفی در مورد محدوده‌ی حریم روستا نوشته است:

الأرض المباحة وتسمى الموات وهي نوعان أحدهما ما يكون تبعاً لبعض القرى مرعى لمواشيهم ومحتطبا لهم فهي حقهم لا يجوز للإمام أن يقطعها من أحد لأن في ذلك ضرراً بهؤلاء... وألحد الفاصل أن يسمع صوت الرجل من أدنى الأرض المملوكة إليه فما لم يسمع صوته فيه فهي ليست بتابعة لقريتهم؛ اراضی موات بر دو نوع است: نخست زمین‌های است که جزء روستا محسوب می‌گردد؛ مانند چراگاه مواشی روستائیان و محل جمع‌آوری هیزم آن‌ها که از حقوق مسلم روستائیان به حساب می‌آید و حتی امام المسلمین حق ندارد آن زمین‌ها را افزاز نموده به افراد جامعه واگذار نماید. زیرا این کار حاکم اسلامی، ضرر کلی و بنیادی به روستائیان قلمداد می‌گردد. ملاک اینکه چه مقدار از زمین‌های اطراف روستا جزء روستا حساب می‌شود این است که باید مردی از آخرین نقطه‌ی زمین‌های کشاورزی روستا صدا بزند، تا هر مقداری که صدای او برد داشته باشد، همان مقدار از اراضی موات، حریم روستا محسوب می‌شود. (السمرقندی، ۱۴۱۴هـ.ق، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۲).

نووی از علمای اهل سنت، مانند مرغینانی حنفی، ملاک تشریح حریم را کمال انتفاع از

ذی‌الحریم دانسته و در این زمینه نوشته است:

الحریم: هو المواضع القريبة التي يحتاج إليها لتمام الانتفاع بالطريق و مسيل الماء و نحوهما، و إن حصل أصل الانتفاع بدونه، و يختلف مقدار الحريم باختلاف المواضع و ما يتعلق به الحريم: كحريم القرية، و حريم الدار، و حريم البئر، و حريم النهر و نحوها؛ حريم روستا، مکان‌های نزدیک و متصل به روستا است که اهالی روستا به خاطر بهره‌وری و انتفاع کامل از روستا، به آن مکان‌ها نیازمند هستند؛ مانند راه‌ها، آبراه‌ها و جوی‌های آب و سیل‌روها و مانند آن. گرچند انتفاع غیر کامل، بدون حريم نیز حاصل می‌گردد. اندازه‌ی حريم، به اختلاف موقعیت‌های هر ملک و آنچه مربوط به حريم آنها می‌شود، مختلف می‌باشد؛ مانند حريم روستا، حريم خانه، حريم چاه، حريم جوی‌آب و امثال آن (محمود، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۷).

ماده «۳» قانون تعاریف محدوده و حريم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، نیز با استفاده از ملاک کلی<sup>۳</sup> که علامه، مرغینانی و نووی در تعریف حريم شهر و روستا بیان کرده مقرر نموده است: «محدوده روستا عبارت است از محدوده‌ای شامل بافت موجود روستا و گسترش آتی آن در دوره طرح هادی روستایی که با رعایت مصوبات طرح‌های بالادست تهیه و به تصویب مرجع قانونی مربوط می‌رسد. دهیاری‌ها کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساخت و ساز در داخل محدوده را عهده‌دار خواهند بود.» بنابراین، حريم روستاها شامل بافت موجود و بالقوه بدنه‌ی اصلی روستاها و محدوده‌ی که منافع روستا به آنها بستگی دارد، می‌شود. به همین جهت است که در تبصره‌ی «۱» ماده فوق، مقرر شده است: «روستا‌هایی که در حريم شهرها واقع می‌شوند مطابق طرح هادی روستایی دارای محدوده و حريم مستقل بوده و شهرداری شهر مجاور حق دخالت در ساخت و ساز و سایر امور روستا را ندارد». با توجه به تعاریف حريم شهر و روستا، می‌توان گفت که مراد از حريم شهر و روستا نیز محدوده‌ی خاصی از زمین اطراف شهر و روستا است که بهره‌برداری کامل از شهر و روستا، منوط به آن میزان از اراضی اطراف شهر و روستا می‌باشد و تصرف دیگران نیز در آن اراضی، تا جای که موجبات ضرر اهالی شهر و روستا را فراهم کند، حرام و ممنوع می‌باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۶۲. از مواد ۱۲۸۱ تا ماده ۱۲۹۱ مجلة الاحکام العدلیه).

### ۱-۳. مفهوم حریم زمین آباد

در کتب فقهی حنفی‌ها، هیچ سخنی از حریم مزرعه و زمین‌های آباد به میان نیامده است؛ اما با وجود این و با توجه به سخنان مرغینانی حنفی در مورد مفهوم حریم روستا، می‌توان گفت که حریم زمین آباد نیز مقداری از زمین‌های اطراف آن است که کمال بهره‌وری از زمین‌آباد، بستگی تام و تمام به آن مقدار از زمین‌های اطراف زمین آباد دارد. مراد از حریم زمین آباد، محدوده‌ی خاصی از زمین اطراف آن است که صرف بهره‌برداری از آن یا بهره‌برداری کامل از آن، منوط به در تصرف داشتن آن مقدار از زمین می‌باشد. «هیچ کس حق ندارد در حریم چاه دیگران، چاهی را حفر نموده و با این عمل، مانع بهره‌وری کامل صاحب چاه از منافع آن گردد؛ زیرا کندن چاه در محدوده‌ی حریم چاه دیگران، باعث ضیاع حق صاحب آن و اخلال در بهره‌وری او از آن چاه می‌گردد.» (المرغینانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۵). نووی نیز همین ملاک را تأیید نموده و گفت که ملاک حریم هر ملک غیر منقولی، کمال انتفاع از آن می‌باشد (محمود، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۷). بنابراین، حریم زمین‌های آباد نیز از منظر فقه حنفی، مقداری از زمین‌های اطراف زمین کشاورزی است که بهره‌وری کامل از آن، بستگی تام و تمام به آن مقدار از آن اراضی اطراف زمین کشاورزی دارد. تعاریفی که فقهای امامیه از حریم زمین‌های آباد دارد، استنباط فوق از فقه حنفی را تأیید می‌نماید. به عنوان نمونه، مرحوم خوئی در این زمینه نوشته است:

حریم المزرعة ما يتوقف عليه الانتفاع منها و يكون من مرافقها كمسالك الدخول إليها و الخروج منها و محل بيادرها و حظائرها و مجتمع سمادها و نحو ذلك؛ حریم زمین‌های آباد به میزانی است که بهره‌وری از آن زمین‌ها بستگی تام به آن میزان از زمین‌های اطراف زمین کشاورزی دارد؛ مانند راه‌های ورودی و خروجی، محل خرمن کوبیدن<sup>۴</sup> (محل نگهداری حیوانات محلی، محل جمع‌آوری کود و مانند آن) (خوئی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۵۴).

ایشان در جای دیگر به صورت قاعده کلی فرموده است: «حریم هر مکان، مقداری است که انتفاع از زمین آباد، متوقف بر آن بوده و تصرف دیگران در آن، بدون اجازه‌ی صاحب آن

زمین، ممنوع باشد. (همان، ص ۱۵۳).<sup>۵</sup> با اینکه در عبارت ایشان برای همه چیز حریم در نظر گرفته شده است، لکن ضروری است که مال مملوک غیر منقول به تعریف ایشان اضافه شود؛ زیرا در حریم فقهی، بحث احیاء و تصرفات فیزیکی مطرح است و این مسائل با مال غیر مملوک یا منقول سازگار نمی باشد (شهید صدر، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۵، ص ۱۰۰). به عنوان نمونه، حریم مؤمن که در روایات و بعضی کتب فقهی آمده، به معنای لغوی حریم است و حریم مسجد نیز به جهت عدم اجازه ساخت مسجد دیگر در نزدیکی آن مطرح است و هیچ ارتباطی با احیاء ندارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳هـ.ق، ج ۷، ص ۴۹۹). پس مقصود از حریم مال در فقه، حریم اموال غیر منقول است. نکته دیگر در تعریف ایشان، این است که باید مقدار احتیاج مالک را مقید به نظر عرف دانست، یعنی مالک مال غیر منقول، حق ندارد به جهت استفاده کامل از ملک خود، هر مقدار از اراضی اطراف زمینش را حریم ملک خود دانسته و مانع تصرف دیگران گردد. (اصفهانی، ۱۴۲۲هـ.ق، ص ۶۵۹).

از تعاریف لغوی و اصطلاحی حریم، نتایج زیر به دست آمد:

الف: اصل معنای حریم، در لغت، منع است و حریم نیز به معنای ممنوع (فعل به معنی مفعول) می باشد؛ تعبیرهایی مانند آنچه شکستن آن جایز نباشد، آنچه مورد حمایت واقع شود و شخص از آن دفاع کند، از همان معنای اول ناشی شده اند؛ زیرا وقتی امری ممنوع شد هتک آن جایز نخواهد بود و در برابر متجاوزان مورد حمایت قرار می گیرد و از آن دفاع می شود.  
ب: فقها از واژه حریم به دو تعبیر حریم و مرافق تعبیر نموده اند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳).

اما ما صرفاً از لفظ حریم بهره برده و از مرافق، بحثی در میان نیاورده ایم.

ج: نسبت معنای لغوی حریم با معنای اصطلاحی آن، نسبت مطلق و مقید است؛ زیرا حریم در معنای لغوی (طبق فعل به معنای مفعول) به هر چیز ممنوع گفته می شود؛ در حالی که معنای اصطلاحی حریم، محدوده ای اطراف اموال غیر منقول است که به میزان عرفی در جهت استفاده کامل از ملک برای مالک در نظر گرفته شده است.

## ۲. ارکان حریم

عنصر شناسی، یکی از مراحل موضوع شناسی، محسوب می‌شود که بعد از بیان مفهوم یک واژه، به بررسی اجزای همان مفهوم پرداخته می‌شود و تمام عناصر دخیل در مفهوم، از یکدیگر تفکیک و مفهوم واژه روشن می‌شود. به همین جهت فقها و حقوقدانان، سه رکن را برای حریم ذکر کرده‌اند که آن‌ها را به عنوان بیان‌کننده عناصر تشکیل‌دهنده حریم، بررسی می‌نماییم:

۱. وجود اصل ملک: وجود ملک، لازمه‌ی ایجاد حق حریم است؛ منظور از ملک در اینجا، معنای اسم مصدری است که جمع آن (املاک) می‌باشد و از آن به (عقار) نیز تعبیر می‌شود. بنابراین، حق حریم در غیر اعیان و عقار به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر، اگر حریم حق باشد، یک حق تبعی است و اگر ملک هم باشد به تبع ملک اصلی ایجاد شده است (ملا خسرو، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷). در هر دو صورت باید ملکی وجود داشته باشد تا حریم برای آن متصور باشد. به این معنا که بعد از ایجاد یک ملک، حریم ایجاد می‌گردد و با از بین رفتن آن، حریم نیز از بین می‌رود. فقها این شرط را در بحث احیاء موات مورد بررسی قرارده و شرط تملک اراضی موات به وسیله‌ی احیا را، در حریم ملک دیگران نبودن دانسته‌اند. (الکاسانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۵ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۱).

۲. وجود اراضی موات در مجاورت آن ملک: فقهای حنفی، موات بودن اراضی مجاور ملک را برای ایجاد حق حریم ضروری دانسته و تصریح نموده‌اند که در املاک متجاور حریم وجود ندارد. (مغنیه، ۱۴۲۱هـ.ق، ج ۵، ص ۴۷).

تصریح کاسانی حنفی چنین است:

فالأرض الموات هی أرض خارج البلد لم تکن ملکا لأحد ولا حقا له خاصا فلا یکون داخل البلد موات أصلا، وكذا ما كان خارج البلدة من مرافقها محتطبا بها لأهلها أو مرعی لهم لا یکون مواتا حتی لا یملك الإمام إقطاعها؛ لأن ما كان من مرافق أهل البلدة فهو حق أهل البلدة کفناء دارهم وفي الإقطاع إبطال حقهم؛ زمین‌های موات، به زمین‌های گفته می‌شود که در خارج شهر و قریه وجود دارد و هیچ کس نسبت به آن‌ها حق مالکیت و حق حریم ندارد؛ بنابراین، وجود زمین

موات در داخل شهر و روستا تصور ندارد. زمین‌های که حریم زمین‌های خارج از شهر و روستا می‌باشد نیز قابل اقطاع نمی‌باشد؛ مانند محل جمع‌آوری هیزم اهالی روستا، چراگاه مویشی روستائیان. حریم زمین‌های روستائیان، مانند حیاط خان‌هاشان حق آن‌ها محسوب می‌گردد و اقطاع چنین زمین‌های، ابطال حق مالی آن‌ها می‌گردد (الکاسانی، ۱۴۰۶هـ.ق؛ ج ۶، ص ۱۹۴).

کاسانی در ادامه تصریح نموده است: «فلا خلاف فی أن من حفر بئرا فی أرض الموات یکون لها حریم» هیچ خلاقی در این نیست که هرگاه کسی در زمین موات چاهی را حفر کند، چاه مذکور، داری حریم خواهد بود.» (همان، ص ۱۹۵). مفهوم مخالف سخن کاسانی این است که در غیر زمین موات، حریم وجود ندارد.

ملا خسرو نیز با ذکر مثالی در این زمینه نوشته است:

كَالْتَّاجِرِ إِذَا كَانَ لَهُ حَانُوتٌ فَاتَّخَذَ آخَرَ بَجَنْبِهِ حَانُوتًا لِمِثْلِ تِلْكَ التَّجَارَةِ فَكَسَدَتْ تِجَارَةُ الْأَوَّلِ بِذَلِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَخَاصِمَ الثَّانِي؛ هرگاه شخصی مغازه‌ای شبیه مغازه‌ی تاجری دیگر و در کنار مغازه‌ی وی احداث نماید و با این عملش، تجارت او را به کساد می‌مواجه نماید، تاجر اول، حق شکایت علیه تاجر دوم را ندارد؛ زیرا مغازه‌ی اول، در زمین موات احداث نشده است تا حریم داشته باشد تا در نتیجه، دیگری حق تصاحب زمین مجاور آن را نداشته باشد (ملا خسرو، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۱).

غالب حقوق دانان نیز شرط موات بودن ملک مجاور را به تبع فقها پذیرفته‌اند. (امامی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۳). قانون مدنی افغانستان نیز این قاعده را در ماده «۱۹۳۲» مصوب نموده و مقرر داشته است: «فابریکه، دستگاه تجارتي، چاه و دیگر تأسیساتی که به هم‌جوار ضرر می‌رساند، باید در مسافه اعمار گردد که ضرر آن به هم‌جوار نرسد.» یعنی احداث موارد فوق، در زمین موات، حریم ایجاد می‌کند و کسی حق ندارد به حق حریم دیگران تجاوز نموده و موجبات ضرر و زیان آن‌ها را فراهم نماید. مفهوم مخالف آن این است که هرگاه مغازه یا چیز دیگر در غیر زمین موات و در کنار مغازه‌ی دیگر ساخته شود، صاحب مغازه‌ی اول، نمی‌تواند به ادعای حق حریم، مانع احداث مغازه‌ی دوم گردیده و احداث‌کننده مغازه را از احداث آن منع نماید. با توجه به مطالب فوق، زمانی حریم برای ملک ایجاد می‌شود که ملک مذکور، در زمین موات

احداث گردیده باشد؛ بنابراین، در صورت که دو ملک به هم چسبیده باشند، هیچیک دارای حریم نسبت به ملک دیگری نخواهد بود. (ملا خسرو، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۱). کاسانی حنفی نیز تصریح کرده است: «أن من الشرائط [ای شرایط الاحیاء] أن لا یکون حریم لعامر» از شرایط احیای اراضی موات، این است که آن زمین حریم زمین آباد نباشد. مفهوم مخالف کلام ایشان این است که هر جا اعمار زمین موات در میان نباشد، بحث از داشتن حریم نیز در میان نخواهد بود. (الکاسانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۵). دلیل شرط مذکور این است که هرگاه هر یک از مالکان املاک آباد، ادعای حریم در ملک خود نموده و بدین وسیله ضرر را از خود دفع نماید، ادعای مالک ملک دیگر که از جنس ادعای او می‌باشد، با ادعای ایشان تعارض نموده و هر دو ادعا پس از تعارض، تساقط می‌می‌کند و در نتیجه قاعده‌ی تسلط هر یک از مالکان بر مال خود، همچنان باقی می‌ماند و لذا است که نباید برای هیچ از املاک آباد، حریم قائل شد. (زحیلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶۳۱).

۳. وجود رابطه میان ملک و موات مجاور: برای تکمیل انتفاع از ملک، رابطه بین آن ملک و زمین موات لازم است؛ زیرا برای ایجاد شدن حریم، باید رابطه‌ای بین ملک و اراضی موات اطراف آن وجود داشته باشد. به این معنا که وجود اراضی موات اطراف زمین احیا شده برای کمال انتفاع ملک احیا شده، ضروری است. (طاهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۳). به عبارت دیگر، شخصی که زمین مواتی را آباد می‌کند، باید بتواند از آن کمال انتفاع و استفاده را ببرد و کسی نتواند با احیا و استفاده از اراضی اطراف آن ملک، مانع کمال انتفاع شخصی از ملک احیاء شده شود؛ بنابراین، وجود حریم برای کمال انتفاع احیا کننده از ملک احیاء شده است؛ یعنی برای جلب نفع است نه دفع ضرر. مقصود از ضرر در عبارات فقها، ضرر فرضی است، یعنی در فرض تجاوز به حریم از طرف غیر، زیان به صاحب حریم می‌رسد؛ لکن اگر تجاوز نباشد زیانی محقق نخواهد شد. (جعفری لنگرودی، بی‌تا، ص ۳۳۱). پس از روشن شدن ارکان حریم، اینک به اثبات مشروعیت و مقدار حریم می‌پردازیم.

### ۳. ادله مشروعیت حق حریم

یکی از مباحث مهم در بحث مبانی نظری و موقعیت فقهی حریم، ادله مشروعیت آن می‌باشد؛

به عبارت دیگر، سئوالی که در این جا مطرح می‌گردد این است که آیا از نظر شریعت اسلامی، حریم یک ملک، در اختیار صاحب همان ملک است و نیز آیا اولویت در تصرف، منحصرأً با مالک مذکور می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه دلایلی بر این مشروعیت وجود دارد؟ در پاسخ به گرسش فوق، چهار دلیل بر مشروعیت حریم از طرف فقها به شرح زیر بیان شده است که هر یک را مختصراً تبیین و تحلیل می‌نماییم.

### ۱-۳. روایت

در حدیثی از نبی مکرم اسلام آمده است:

من أحيى ميتة في غير حق مسلم فهي له حيث دلّ بمفهومه على عدم جواز تملك حق الغير بالإحياء ولا ريب أنّ حریم الملك حقّ للمالك؛ پیامبر خدا فرمود: هرکس زمین مواتی را در خارج از حریم ملک مسلمانی احیا نماید، مالک آن زمین می‌گردد؛ مفهوم این حدیث بر عدم جواز تملک حق عینی دیگران به وسیله‌ی احیا، دلالت دارد. شکی نیست که حریم ملک، حق غیر محسوب می‌گردد (مازندرانی، ۱۴۱۵، ص ۴۱).

فقهای حنفی نیز در مقام مشروعیت حریم، از رسول خدا حدیث نقل کرده‌اند. (الکاسانی،

بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۱).

زحیلی در این زمینه نوشته است:

الأصل في مشروعية الحریم: أن النبي صَلَّى الله عليه وسلم جعل للبئر حریماً. وللعين حریم بالإجماع، لأنه عليه الصلاة والسلام جعل لكل أرض حریماً؛ دلیل و مستند مشروعیت حریم این است که شخص رسول خدا برای چاه، حریم قرارداد؛ چنانکه حریم چشمه، با اجماع ثابت است و اجماع مذکور نیز به خاطر قاعده کلی است که پیامبر خدا ﷺ آن را تأسیس کرد و برای هر زمینی، حریم قرارداد (زحیلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۶۳۲).

بنابراین، هرگاه کسی زمین مواتی که نه ملکی مسلمانی محسوب می‌شود و نه متعلق حق شخص مسلمانی است را احیا نماید، آن زمین در ملکیت او در می‌آید؛ چنانکه زمین‌های که متعلق حق مسلمان<sup>۶</sup> دیگری باشد، قابل احیا و تملک نمی‌باشد. با توجه به این توضیح، مفهوم



مخالف روایت نبوی که از دلیل تحریر نقل شد، این است که حریم، محدوده ملک محسوب شده و قابلیت احیا ندارد.

## ۲-۳. اجماع و عدم خلاف

گفته شد که حریم، مقداری از اراضی اطراف ملک، شهر، قریه، مزرعه، قنات، نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از امور مذکور و جلوگیری از ضرر، ضرورت دارد؛ زیرا وجود حریم، افراد دیگر را ملزم می‌کند تا به حق حریم صاحب ملک و چاه و... احترام گذاشته و از تجاوز به آن خودداری نمایند. فقهای حنفی و حقوق دانان، معتقدند که هرگاه کسی به وسیله‌ی احیاء اراضی موات، باغ، منزل، قریه، مزرعه، چاه آب و قنات احداث نماید، مقداری از اراضی موات که نزدیک آن است و برای کمال انتفاع از اراضی مذکور، لازم شمرده می‌شود، به خودی خود، حریم آن اراضی و... محسوب می‌گردد و مالک اموال مذکور، نسبت به آن‌ها حق حریم پیدا می‌نماید. فقهای زیادی برای اثبات حق حریم برای مالک، ادعای اجماع یا عدم خلاف<sup>۷</sup> نموده‌اند (حلی (فخر المحققین)، ۱۳۸۷هـ.ق، ج ۲، ص ۲۳۲).

صراحت کلام کاسانی حنفی در اصل مشروعیت حق حریم چنین است:

لا خلاف أن للنهر حریم فی أرض الموات؛ لأن للبئر والعین حریم بما فیها بالإجماع، وقد روی عن أنه جعل لهما حریم لحاجتهما إلى الحفر لتعذر الانتفاع بها بدون الحفر؛ لأن حاجة النهر إلى الحریم كحاجة البئر والعین بل أشد فکان جعل الشرع للبئر والعین حریم جعلاً للنهر من طریق الأولى» فقها به دو دلیل برای نهری که در زمین موات احداث می‌گردد، بدون هیچ اختلافی، حریم قائل شده‌اند؛ دلیل نخست این است که حریم داشتن چاه و چشمه، هم مورد اجماع فقها است و هم از رسول خدا نقل شده است که ایشان برای چاه و چشمه، حریم قرار داده است؛ زیرا بهره‌وری از چاه و چشمه، نیازمند وجود حریم و به رسمیت شناختن آن می‌باشد. دلیل دوم مشروعیت حریم نهر، اولویت می‌باشد؛ بدین معنا که نیاز نهر به حریم، بیشتر از نیاز چاه و چشمه به حریم بوده و لذا نهر به طریق اولی باید حریم داشته باشد (الکاسانی، ۱۴۰۶هـ.ق، ج ۶، ص ۱۹۱).

چنانکه در کلام فقهای حنفی مشاهده و ملاحظه شد، مشروعیت حریم مورد اجماع فقهای حنفی، روایت نبوی و برهان اولویت بوده و ملاک مشروعیت حریم نیز ضرورت انتفاع از اصل ملک بیان شده است (زحیلی، بی تا، ج ۶، ص ۶۳۲).

### ۳-۳. بنای عقلا

سیره‌ی عملی عقلا نیز این است که برای هر ملکی حریمی را پذیرفته‌اند و بر مبنای همین سیره، هیچ کس حق تصرف در محدوده‌ی حریم ملک دیگران را ندارند. به عبارت دیگر، روش عقلا بر آن مستقر بوده و هست که اگر کسی زمین بایری را آباد نماید، دیگران حریم آن را محترم شمرده و در آن تصرف نمی‌کنند؛ در مقابل، چنانچه شخصی، حریم ملک دیگری را آباد نماید و با این عمل، موجبات ضرر او را فراهم نماید، از نظر عقلا و عرف نافذ بین آنان، متجاوز به حقوق دیگران به حساب آمده و عقلا او را به خاطر این رفتارش مورد مؤاخذه و نکوهش قرار می‌دهند. از آنجای که نسبت به این روش عقلایی از سوی شارع، منعی گزارش نشده است، به این نتیجه میرسیم که در اسلام نیز حق حریم مشروعیت داشته و قابل احترام می‌باشد؛ به عبارت دیگر، شرعا کسی نمی‌تواند حریم املاک دیگران را بدون اذن آنان احیا نموده و مالک شود. (حسینی، ۱۳۶۵، ص ۷۷). کاسانی سیره‌ی نیک و جاری عقلا را جزء سنت دانسته و نوشته است: «لأن السنة عبارة عن الطريقة المرضية أو السيرة الحسنة؛ سنت جز طریق مرضی شارع و سیره‌ی نیکو بین مردم چیزی دیگری نیست» (الکاسانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۵). یکی از سیره‌های رایج و نیکو بین مردم، احترام به حریم املاک دیگران است.

### ۴. مقدار حریم شهر، روستا و زمین آباد

حق حریم ذکر شده در منابع فقهی، بیشتر در اموال غیر منقول احیاشده به وجود می‌آید؛ از این رو، مصادیق آن منطبق با اموالی است که قابلیت احیا داشته باشد؛ مانند چاه، قنات، نهر، معادن، درختان، راه، دیوار، روستا، و خانه. مقدار حریم نیز، به اعتبار ملکی که برای آن حریم مقرر شده است، متفاوت است؛ به عنوان نمونه، حریم باغ، مقدار مساحتی است که برای ریختن خاک و کود و جمع‌آوری خاشاک لازم می‌باشد و حریم منزل، مقدار مساحت جلوی درب منزل است

که برای عبور و مرور و برف‌انداز در اطراف مورد نیاز می‌باشد. حریم نهر، مقدار مساحتی در اطراف نهر است که به امتداد نهر امتداد دارد که برای خاك ريختن در موقع پاك کردن و كف برداری و همچنین عبور برای حفاظت لازم و ضروری است. حریم چاه مقدار مساحت اطراف آن است که خاك ريخته می‌شود و برای تهیه و تنقیه‌ی آن، آلات و ادوات لازم نصب می‌گردد. علاوه بر مقدار مذکور در بالا، چاه‌آب، قنات و چشمه، دارای حریم دیگری است که برای جلوگیری از ضرر به آن، معین شده است. حال دو پرسش اساسی در اینجا قابل طرح است: الف: آیا تنها اموالی که در روایات دارای حریم شمرده شده است، دارای حریم است یا می‌توان هر مال غیر منقولی که از طریق احیا تملک شده است را دارای حریم دانست؟ ب: آیا مقادیری که برای حریم برخی اموال، در روایات بیان شده است، تعبدی است یا غالبی؟ بحث حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی را با پاسخ به پرسشهای فوق پی می‌گیریم:

## ۵. معیار تعیین مقدار حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی

وقتی اصل مشروعیت حریم برای املاک اثبات شد، این پرسش مطرح می‌گردد که محدوده‌ی حریم املاک تا چه میزان است؟ در روایات محدوده‌های برای حریم عین بیان نشده و فقط حریم منفعت بین منابع آبی، مورد تقدیر بعضی روایات قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، میزان حریم چاه برای آب خوردن، «۲۰» گز و برای زراعت «۳۰» گز تعیین گردیده است؛ چنانکه حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه «۵۰۰» گز و در زمین سخت «۲۵۰» گز معین شده است. (الکاسانی، ۱۴۰۶هـ.ق؛ ج ۶، ص ۱۹۱ به بعد). در مورد تقدیر حریم،<sup>۸</sup> از طرف فقهای اسلامی دورویکرد زیر، وجود دارد.

### ۵-۱. تعبد نسبت به مقادیر مشخص شده در روایات

عده‌ای از فقیهان، با تمسک به روایات که مقدار حریم برخی چیزها را تعیین نموده است، محدوده‌ی حریم املاک را طبق مفاد روایات تعیین نموده‌اند؛ بر مبنای این نظریه، محدوده‌ی حریم به ایراد ضرر و عدم آن منوط نخواهد بود. مثلاً اگر کسی به‌رغم عدم اضرار در فاصله‌ی کمتر از چاه حفر شده، چاه جدیدی را حفر نماید، هم از ایجاد آن جلوگیری می‌شود و هم در

صورت حفر شدن، چاه دوم، پر می‌شود. چنانکه اگر کسی در فاصله‌ی تعیین شده یا بیشتر، چاه جدیدی را حفر نماید و با این عملش، باعث ایراد ضرر گردد، صاحب چاه نمی‌تواند به استناد ایراد ضرر از اقدام او جلوگیری نماید؛ از این بابت ضمانتی هم متوجه حفر کننده چاه دوم، نخواهد بود. در بین فقهای امامیه، فاضل مقداد از طرفداران این نظریه است. ایشان در ابتدا، کلام ابن جنید (مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ج ۴، ص ۱۰۰). را در مورد عدم پذیرش روایات، نقل و بعد از آن رد می‌کند و می‌گوید: «أن التحديد أضبط وأقوى في رفع النزاع» ضابطه‌ی که برای تعیین مقدار حریم در روایات بیان شده است، در رفع نزاع، دقیق‌تر است». از فقهای حنفی، کسی، طرفدار این نظریه‌ی پیدا نشد (همان).

## ۲-۵. عدم تعبد نسبت به مقادیر مشخص شده در روایات

عده‌ای دیگر از فقها، چنانکه اصل حریم داشتن را به مواردی که در روایات آمده است، محصور نکرده است، مقادیر مذکور در روایات را نیز تعبدی ندانسته و مقادیر تعیین شده برای حریم برخی املاک را به مقتضای شرایط آن زمان و آن ملک دانسته‌اند؛ به باور این دسته از فقهای اسلامی، معیار و ملاک مقدار حریم شهر، روستا و زمین کشاورزی، نیازمندی اهالی شهر، روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی است؛ بنابراین، محدوده‌ی حریم، تا مقداری است که استفاده‌ی کامل از شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی با همان مقدار فراهم می‌گردد؛ طبعاً، تصرف در آن مقدار از حریم، از طرف دیگران، تحت هیچ شرایطی بدون اذن اهالی شهر و روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی مجاز نمی‌باشد. مستند این نظریه، علت تشریح حریم است؛ زیرا به اعتقاد این گروه از فقهای اسلامی، حریم، برای جلوگیری از ضرر به اصل ملک از طرف شرع و عقلاً جعل شده و به همین خاطر مقدار مشخصی نداشته و همواره میزان آن، منوط به شرایط و نیاز اهالی شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی می‌باشد؛ شهید ثانی، از فقهای امامیه، این نظریه را اظهر دانسته (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۱۲، ص ۱۳). و مرحوم کاشف الغطاء و محمد جواد مغنیه از این نظریه جانب‌داری نموده‌اند. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ هـ.ق، ج ۲، ق ۱، ص ۲۵۶؛ مغنیه، بی تا، ج ۵، ص ۴۷). امام خمینی نیز طرفدار توسعه در مصداق و محدوده حریم است؛ چون وقتی از ایشان سؤال شد قناتی است که مورد استفاده کشاورزی بوده و دو

رشته دارد؛ یعنی دو کوره می‌شود، بعضی از مردم بین این دو رشته اقدام به زدن چاه نموده‌اند که فاصله‌ی بین چاه و اصل رشته‌ها یکی ۱۷۲ متر و دیگری ۲۳۰ متر است و مالکین قنات از زدن چاه ناراضی هستند و موجب اختلاف گردیده است؛ خواهشمند است حکم شرعی را بیان فرمایید. ایشان در جواب این سؤال نوشته‌اند: اگر ضرر به قنات می‌زند باید با رضایت صاحبان قنات باشد. (خمینی، ۱۴۲۲هـ.ق، ج ۲، ص ۵۸۶). با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که از عبارات بی‌شمار فقهای امامیه و نیز حنفی، به خوبی استنباط می‌گردد که عمومیت حریم برای املاک و مقادیر تعیین شده برای حریم املاک در روایات، نقش غالبی دارد. بنابراین، ملاک در تعیین مقدار حریم، مساحتی از اطراف ذی‌الحریم است که صاحب ملک و ساکنان شهر و روستا و زمین‌های کشاورزی بتوانند از موارد فوق، به راحتی کمال بهره‌مندی را داشته باشند.

به عبارت دیگر، حریم هر چیزی، مقدار مساحت از اراضی اطراف شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی است که دیگران حق ندارند در آن محدوده، بدون اذن صاحبان ملک و ساکنان شهر و روستا، تصرف نمایند و از این طریق موجبات اضرار به صاحبان ملک و ساکنان شهر و روستا را فراهم نمایند. عبارات چون: «ما يتوقف عليه الانتفاع فيما اعدت له عرفا من غير تحديد»، همین معنی را افاده می‌نماید (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹هـ.ق، ج ۱، ص ۲۸، الکاسانی، ۱۴۰۶هـ.ق، ج ۶، ص ۱۹۱؛ زحیلی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۶، ص ۶۱۹). ابن جنید و علامه نیز تصریح نموده‌اند که حریم چاه و قنات هر مقداری از اراضی است که رفع ضرر بنماید (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶هـ.ق، ص ۲۲۳). با اینکه موضوع بحث از حریم روستا، شهر و زمین‌های آباد، از نگاه فقه حنفی است، اما چون بحث حریم در فقه حنفی به صورت منقح بیان نشده است، به ناچار ما عبارات فقهای امامیه را آوردیم تا دیدگاه فقهای حنفی در این زمینه روشن گردد.

فقهای حنفی در بحث مقدار حریم روستا، شهر و زمین‌های آباد، با دسته‌ی اخیر فقهای امامیه هم نظر و هم مبنا می‌باشند؛ به همین جهت، نویسنده کتاب تحفة الفقهاء نسبت به حریم نهر نوشته است: «لَهُ حَرِيمٍ بِقَدْرِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ بِالِاتِّفَاقِ لِإِلْقَاءِ الطِّينِ وَنَحْوِهِ؛ حریم» نهر به اجماع فقهای حنفی، به قدری است که نهر به آن میزان از زمین‌های اطرافش نیازمند است.» (السمرقندی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۳، ص ۳۲۳).

زحیلی از محققین اهل سنت که یک دوره فقه اهل سنت را از نگاه مذاهب اربعه نوشته نیز تصریح نموده است:

حریم القنّاة: وهی مجرى الماء تحت الأرض. ولم يقدر حریمها بشئ یمکن ضبطه، فحریمها بقدر ما یصلحها لإلقاء الطین ونحوه؛ حریم قنات مجرای آب زیر زمینی است که به چاه سرازیر می‌شود؛ حریم چاه به چیزی که بتوان با آن مقدار، حریم چاه را اندازه‌گیری نمود، غیر قابل تقدیر است. بنابراین، حریم چاه، به مقدار و اندازه‌ای است که بتوان با آن مقدار، مصالح چاه را تأمین نمود. (زحیلی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۶، ص ۶۳۳).

پس در فقه حنفی، ملاک تقدیر حریم شهر، قریه و زمین‌های کشاورزی، مصلحت اهل قریه، شهر و زمین‌های کشاورزی است که عرف، تعیین کننده آن مصلحت می‌باشد. عبارت نویسندۀ موسوعه‌ی فقیه‌ی کویتیه در این زمینه بسیار روشن کننده است؛ ایشان در مورد حریم قریه نوشته است: «چنانکه مالکیه تصریح نموده و متبادر از سخنان فقهای حنفی نیز همین است، حریم قریه محل جمع‌آوری هیزم اهل قریه، چراگاه مواشی اهل قریه و مانند این احتیاجات عرفی اهل قریه می‌باشد. بنابراین، راه‌های قریه که مصالح آن‌ها را تأمین می‌نماید، جزء حریم قریه شمرده شده و اهل قریه می‌تواند از تصرف غیر اهل قریه نسبت به آن مقدار از راه‌ها جلوگیری نماید» (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۲۱۹).

شخص ابوحنیفه در مورد حریم زمین‌های کشاورزی گفته است:

حَرِيمُ أَرْضِ الزَّرْعِ مَا بَعْدَ مِنْهَا وَلَمْ يَبْلُغْهُ مَأْوَاهَا، وَقَالَ أَبُو يُوْسُفَ: حَرِيمُهَا مَا انْتَهَى إِلَيْهِ صَوْتُ الْمُتَنَادِي مِنْ حُدُودِهَا؛ حریم زمین کشاورزی، مقدار مسافتی است که وقتی آن زمین را آبیاری می‌کند، آب اضافی که از آن زمین جاری می‌شود، به آن نقطه برسد و دورتر از آن نرود؛ به باور ابویوسف [شاگرد ابی‌حنیفه]، حریم زمین کشاورزی تا آخرین نقطه‌ی است که اگر کسی از انتهای مرز زمین کشاورزی صدایش را بلند کند، صدایش به آنجا برسد. (همان)

در هر صورت، حریم، بر مبنای فقه حنفی، ملک صاحب ملک، محسوب گردیده و تملک و تصرفاتی که منافی منافع صاحب ملک مذکور، باشد، بدون اذن صاحب ملک ممنوع می‌باشد؛ بنابراین، از منظر فقه حنفی، از آنجای که تصرف در حریم شهر، روستا و زمین‌های

کشاورزی، اهالی شهر و روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی را در مضیقه قرارداد و موجبات نارضایتی آنان را نیز فراهم می‌کند، شرعا حرام می‌باشد. زیرا چنین کاری تضاد جدی با حق حریم و فلسفه‌ی مشروعیت آن دارد (امامی، ج ۱، ص ۱۲۳). علاوه بر این، تصرف دیگران در حریم ذی‌الحریم، تجاوز بحق ثابت سابق او قلمداد می‌گردد که شرعا ممنوع و حرام است.

با توجه به مطالب فوق، همانگونه که دیگری نمی‌تواند خاکریز اطراف نهر و چاه و همچنین برف‌انداز اطراف خانه و یا محل خاک و کود و خاشاک و معبر و مزرعه‌ی کسی را بدون اذن صاحب حریم تملک و تصرف عدوانی نماید، نمی‌تواند به حریم قریه، شهر و زمین‌های کشاورزی نیز بدون اذن اهالی شهر، روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی، تصرف عدوانی یا هر نوع تعدی و تجاوزی را روا بدارد. زیرا هرگونه تصرف عدوانی، در موارد نامبرده، منافات با حق حریم و مشروعیت آن دارد. از کلمات فقهای حنفی که در سطور فوق نقل شد، به خوبی استنباط می‌گردد که ملاک و معیار حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی به میزانی است که آن مقدار و میزان از حریم، مصالح اهالی شهر، روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی را تأمین می‌نماید.

بدیهی است که مزاحمت دیگران در آن مقدار از زمین‌های شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی، اهالی شهر، روستا و مالکان زمین را در عسر و حرج قرار می‌دهد و مصالح اقتصادی و زیستی آن‌ها را با خطر جدی مواجه می‌نماید؛ بنابراین، معیار در مقدار حریم شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی، مقداری از زمین‌های اطراف شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی است که نیازمندی اهالی شهر و روستا و مواشی آن‌ها را تأمین نماید و مزاحمت دیگران در آن میزان از اطراف شهر و روستا، اهالی شهر و روستا را در سختی و حرج قرار دهد. زحیلی در مورد این معیار جامع و کلی عبارت بسیار جامعی دارد که نقل آن این مبحث را تکمیل می‌نماید؛ ایشان در این زمینه نوشته است: «حریم القرية المحیة: النادی (وهو المجلس الذی یجتمعون فیه ویتحدثون)، ومرتکض الخیل، و مناخ الإبل، و مطرح الرماد ونحوها کمراح غنم و مسیل ماء و ملعب صبیان» حریم قریه‌ی که در زمین موات احداث شده است، امور زیر است:

الف: مکانی از قریه که اهالی آن در آن مکان مجلس می‌کنند و می‌نشینند و با هم گپ می‌زنند؛

ب: محلی که اهالی قریه در آن محل، مسابقات اسب دوانی برگزار می‌نمایند؛

ج: محلی که اهالی قریه در آنجا شترهایشان را در آنجا نگهداری می‌کنند؛

د: محل جمع‌آوری پس مانده‌های اهالی قریه و مانند آن مثل محل استراحت گوسفندان، قنات‌ها و جویبارها و محل ورزش بچه‌های قریه. (زحیلی، بی تا، ج ۶، ص ۴۶۳۵).

کاتوزیان، حقوق‌دان برجسته‌ی ایرانی، نیز مقدار حریم هر ذی‌حریم را مقدار نیازمندی آن دانسته و در این زمینه نوشته است:

استفاده از غالب املاک، مستلزم آن است که زمین اطراف آن به مالکیت شخص دیگری درنیاید یا دستکم تصرفی که بهره‌برداری از ملک را ناممکن یا دشوار می‌سازد، در آن‌ها نشود. به عنوان مثال اگر کسی در زمین موات، قناتی احداث کند، برای آنکه بتواند از آبی که حیازت شده است، استفاده مطلوب را ببرد، باید آن مقدار از زمین اطراف حلقه چاه‌ها را که جهت ریختن خاک آنها لازم است، همیشه در اختیار داشته باشد و دیگران نیز نمی‌توانند قنات و چاه دیگری در نزدیکی قنات او حفر کنند. این مقدار از زمین را در اصطلاح، حریم و حقی را که مالک بر آن دارد حق حریم می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۳۰).

بنابراین، حق حریم مانند حق ارتفاق، یک حق تبعی محسوب می‌شود و هرگاه ملکی دارای حریم، به گونه‌ای که نیاز به حریم نداشته باشد، تغییر وضع دهد، دیگر حقی بر حریم وجود نخواهد داشت. به عنوان نمونه در زمان ما که برخی از روستاها بر اثر توسعه شهر نزدیک به آن‌ها، داخل در محدوده‌ی خدماتی شهر، قرار می‌گیرند و وضع روستایی خود را از دست می‌دهند و مبدل به اراضی شهری می‌شوند. در این صورت آنچه از اراضی که عنوان حریم روستا را داشته است، متعلق به روستاییان نبوده و تحت عنوان اراضی موات قرار خواهد گرفت. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۳).

## نتیجه

با توجه به مطالب ارائه شده به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. حریم، به محدوده‌ای مکانی هر ملک غیر منقولی اطلاق می‌شود که بهره‌وری کامل از آن ملک، نیازمند به آن محدوده‌ی خاص و ویژه می‌باشد؛
۲. هرگاه شهر یا روستا یا زمین کشاورزی در یک زمین موات احداث گردیده باشد، زمین‌های



موات اطراف شهر و روستا و زمین کشاورزی، حریم آن‌ها مسوب می‌گردد. بنابراین، محل گردهمایی‌های مردم شهر و روستا، محل مسابقه‌ی اسبهای مردم شهر و روستا، خوابگاه شتران روستا، محل دورریختن پسماندهای شهر و روستا، خاکریز شهر و روستا، چراگاه‌های روستاها، و هر جای که جزء منافع شهر و روستا محسوب می‌شود، حریم شهر و روستا و زمین‌های کشاورزی، قلمداد گردیده و غیر قابل احیا و غیر تملک و غیر تصرف می‌باشد؛ به عبارت دیگر هیچ کس حق ندارد زمین‌های موات اطراف شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی را احیا نموده و موجبات ضرر به ساکنان شهر و روستا و نیز مالکان زمین کشاورزی را فراهم نماید و بهره‌مندی آنان از حریم موارد فوق را به سختی و حرج مواجه ساخته و محیط را برای آنان تنگ نماید.

۳. از تعابیر فقهای حنفی به خوبی استنباط می‌گردد که آنچه در فقه دارای حریم‌های مقدر معرفی شده است، خصوصیت و موضوعیت نداشته و هر ملک غیر منقولی می‌تواند دارای حریم باشد؛ چنانکه مقادیر تعیین شده نسبت به برخی اموال که در روایات برای آن‌ها حریم مورد شناسایی قرار گرفته است، نیز نقش غالبی و داشته و به عنوان مثال بیان شده است. بنابراین، هر مال غیر منقولی از جمله شهر، روستا و زمین‌های کشاورزی که از طریق احیای موات احداث و تملک شده باشد، می‌تواند حریم داشته باشد و حریم آن نیز به مقداری است که مصالح اهل شهر، روستا و مالکان زمین‌های کشاورزی تأمین نماید.

۴. با اینکه فقه حنفی نهاد حریم را تعریف نموده و احکامی را برای آن بیان داشته است، اما متأسفانه، قانون‌گذار افغانستان قواعد قانونی را نسبت به حریم در نظر نگرفته و از این جهت نیازمند تکمیل و وضع قانون می‌باشد. بنابراین، بر قانون‌گذار افغانستان است که نهاد حریم یا کمر بند سبز شهرها، روستاها و زمین‌های کشاورزی را با تصویب قوانین به روز، تعیین نموده و از تعدی و تجاوز زمین‌خواران به نواحی شهرها، روستاها و زمین‌های کشاورزی مردم، جلوگیری نموده و از هر نوع تجاوز و تعدی نسبت به حریم روستاها و شهرهای شهروندان افغانستان و مالکان زمین‌های کشاورزی، ممانعت قانونی به عمل آورد. نبود قانون مدون در مورد حریم شهرها، روستاها (مخصوصاً علف‌چرهای روستاها) و زمین‌های کشاورزی، موجب تضییع حقوق اهالی شهرها، روستاها و مالکان زمین‌های کشاورزی می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در علم اخلاق، احترام به ساحت انسان، مخصوصاً، مؤمنین، حریم آنها قلمداد شده است.
۲. به ناحیه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، رشد حومه شهری اتفاق افتاده و استفاده‌های شهری و روستایی از زمین با هم درآمیخته و موجب شکل‌گیری زون گذار بین شهر و حومه شده است.
۳. قاعده کلی در مورد تعریف حریم شهر و رستا این است: «و ما یعد من حدود مراقفهم» هر جای که بهره‌وری شهر و روستا به آن جا بستگی تام دارد، جزء حریم شهر و روستا محسوب می‌گردد.
۴. در فرهنگ دری، به چنین موضعی، خرمن جوی گفته می‌شود.
۵. به باور ایشان حریم جزء حقوق صاحب ملک محسوب شده و هر کس زمینی را احیا نماید به تبع آن مالک حریم آن نیز می‌شود.
۶. مراد از «حق مسلم»، در اینجا، حریم است.
۷. شبیری زنجانی از فقهای امامیه، در بیان فرق دو عبارت فوق گفته است: «در اجماع علاوه بر اینکه معمول فقها متعرض مسئله شده و نظر خودشان را بیان کرده‌اند، اتفاق نظر هم وجود دارد؛ اما لاخلاف یعنی آنهایی که مسئله را عنوان کرده‌اند، نسبت به حکم آن، اختلافی ندارند، بنابراین، ممکن است اکثر فقها متعرض مسئله نشده باشند؛ ولی کسانی که مسئله را مطرح نموده‌اند، نسبت به حکم آن اتفاق نظر دارند. تعبیر به لاخلاف، نسبت به اجماع ضعیف‌تر است ر، ک: درس خارج فقه، جلسه ۸، ۷/۱۰/۹۴. تعبیر لاخلاف و اجماع هم در فقه امامیه آمده و هم در فقه حنفی. ر، ک: الکاسانی الحنفی، علاء الدین، بدائع الصنائع ج ۶، ص ۱۹۱؛ سرخسی، محمد، المبسوط، دار المعرفة، بیروت ۱۴۱۴هـ، بی‌چا، ج ۱۵، ص ۳۱؛ المجله، ماده ۱۲۸۱؛ امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۲۱.
۸. در فقه حنفی مقادیری معین برای حریم برخی از اموال تعیین گردیده است که اندازه‌های مقرر، موضوعیت نداشته و ملاک تعیین حریم هر چیزی، مساحتی است از اطراف آن چیز است که کمال انتفاع از آن به همان مساحت بستگی دارد.

## کتابنامه

- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۲ هـ.ق، چاپ دوم؛ ابن منظور، محمد، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق، چاپ سوم؛
- ابوالحسن، احمد، معجم مقائیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق، چاپ اول؛ اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ هـ.ق، چاپ اول؛
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا، بی جا؛ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ ششم؛ جوهری، اسماعیل، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ هـ.ق، چاپ اول؛
- حسینی، سید جعفر، مالکیت زمین در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵، چاپ اول؛ حلّی (علامه)، حسن، تذکرة الفقهاء (ط - القديمة)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۸ هـ.ق، چاپ اول؛ حلّی (فخر المحققین)، محمد، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ هـ.ق، چاپ اول؛
- حلّی، مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق، چاپ اول؛
- خمینی، سید روح الله، استفتاءات، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۲ هـ.ق، چاپ پنجم؛ خویی، سید ابو القاسم، منهاج الصالحین، نشر مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق، چاپ بیست و هشتم؛
- زبیدی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق، چاپ اول؛
- زحیلی، وهبه الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، بی تا، چاپ چهارم؛ سرخسی، محمد، المبسوط، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق، بی جا؛

- السمرقندی، محمد، **تحفة الفقهاء**، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴هـ.ق، چاپ دوم؛
- سیستانی، سید علی، **منهاج الصالحین**، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، قم، ۱۴۱۷هـ.ق، چاپ پنجم؛
- شهید صدر، سید محمد، **ما وراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع**، بیروت، ۱۴۲۰هـ.ق، چاپ اول؛
- شیعه، اسماعیل، با شهر و منطقه در ایران، **دانشگاه علم و صنعت**، تهران، ۱۳۸۷، چاپ دوم؛
- صفهانی، سید ابوالحسن، **وسيلة النجاة مع حواشی للامام الخمينی**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، ۱۴۲۲هـ.ق، چاپ اول؛
- طاهری، حبیب الله، **حقوق مدنی**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۸هـ.ق، چاپ دوم؛
- طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرين**، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶هـ.ق، چاپ سوم؛
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۳هـ.ق، چاپ اول؛
- فراهیدی، خلیل، **کتاب العین**، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۰هـ.ق، چاپ دوم؛
- فیاض کابلی، محمد اسحاق، **منهاج الصالحین**، بی نا، بی جا، بی تا، بی چا؛
- الکاسانی الحنفی، علاء الدین، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶هـ.ق؛ چاپ دوم؛
- کاشف الغطاء، محمد حسین، **تحریر المجلة، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف**، ۱۳۵۹هـ.ق، چاپ اول؛
- کاتوزیان، ناصر، **اموال و مالکیت**، مؤسسه نشر یلدا، تهران، ۱۳۷۴، چاپ اول؛
- گروهی از نویسندگان، **لغتنامه دهخدا**، چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳، بی چا؛
- مازندرانی، علی اکبر، **دلیل تحریر الوسيلة - إحياء الموات و اللقطة**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۵هـ.ق، چاپ اول؛
- محسنی، فرید، **حريم خصوصى اطلاعات**، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- محمود، عبد الرحمان، **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية**، بی نا، بی جا، بی تا، بی چا؛
- المرغینانی، علی، **الهداية في شرح بداية المبتدى**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، بی چا؛

حريم شهر، روستا و زمين هاى كشاورزى (از منظر فقه حنفى و حقوق افغانستان) □ ۱۱۱

---

مغنيه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق عليه السلام، مؤسسه انصاريان، قم، ۱۴۲۱ هـ.ق، چاپ دوم؛  
مكارم شيرازى، ناصر، الفتاوى الجديدة، انتشارات مدرسه امام على عليه السلام، قم، ۱۴۲۷ هـ.ق، چاپ  
دوم؛

ملا خسرو، محمد، درر الحكام شرح غرر الأحكام، دار إحياء الكتب العربية، بى جا، بى تا،  
بى چا؛

النسائى، احمد، السنن الكبرى، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۲۱ هـ.ق، چاپ اول؛  
وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ.ق،  
چاپ اول.

Adell, G. Theories and Models of the Peri-Urban Interface: A Changing, 1999;

<https://fa.wikifeqh.ir;>

<https://www.almaany.com/f;>

<https://www.almaany.com/fa.>

